موعظه در یکشنبه ماقبل آخر سال کلیسایی ۲۰۲۶

فیض و سلامتی از جانب خدا، پدر ما، و خداوند ما عیسی مسیح بر شما باد. آمین.

کلام خدا برای این موعظه از انجیل لوقا، باب ۱۶، آیات ۱ تا ۸ گرفته شده است:

عیسی همچنین به شاگردان فرمود: «شخصی ثروتمند مباشری داشت و شکایتی به او رسید که آن مباشر دارایی‌اش را حیف و میل می‌کند. پس به دنبال او فرستاد و گفت: این چه حرفهایی است که دربارهٔ تو می‌شنوم. حسابهایت را واریز کن چون دیگر نمی‌توانی در اینجا مباشر باشی. آن مباشر پیش خود گفت: حالا که ارباب من می‌خواهد کار مباشری را از من بگیرد چه باید بکنم؟ من که نه توان بیل‌زدن دارم و نه روی گدایی‌کردن. 4آری می‌دانم چه کنم تا مطمئن شوم که وقتی مرا از این کار بر کنار کرد اشخاصی باشند که درِ خانه‌های خود را بر روی من باز کنند. پس بدهکاران ارباب را یک به یک حاضر کرد. به اولی گفت: چقدر به ارباب من بدهکاری؟ جواب داد: صد پیمانهٔ روغن زیتون گفت: بیا، این صورت حساب توست. بنشین و به جای آن بنویس پنجاه پیمانه، زود باش. بعد به دیگری گفت: تو چقدر بدهکاری؟ گفت: صد خروار گندم، به او گفت: صورت حسابت را بگیر و به جای آن بنویس هشتاد خروار. آن ارباب، مباشر نادرست را به‌خاطر اینکه چنان زیرکانه عمل کرده بود تحسین کرد، زیرا مردم دنیوی در مناسبات با همنوعان خود از ایمانداران زیرکترند.

دعا می کنیم:

خداوندا، ما را در حقیقت خود تقدیس کن؛ کلام تو حقیقت است. آمین.

ای برادران و خواهران عزیز در خداوند ما عیسی مسیح،

مقدمه

زمان با شتاب می گذرد.

همین چند وقت پیش فصل پاییز بود. اردوی کلیسا، جشن اصلاحات کلیسا برای کودکان... و به زودی نیز دوران ادونت آغاز خواهد شد.

اکنون در روزهای پایانی سال کلیسایی هستیم. این روزها موضوع بسیار مهمی را پیش روی ما قرار می دهند: مردن، مرگ و رستاخیز.

ای کاش در این سه هفته کمی آرامش و فرصت بیشتری داشتیم تا بتوانیم به این موضوع بپردازیم.

زمان با شتاب می گذرد.

پس دست کم از موعظه امروز و همچنین یکشنبه آینده برای این منظور استفاده کنیم.

امروز درست با دو متن دشوار از کتاب مقدس روبه رو هستیم.

یکی متن موعظه ما از لوقا، باب ۱۶، و دیگری انجیل این یکشنبه از متی، باب ۲۵ است.

متی، باب ۲۵: داوری نهایی

درباره متی، باب ۲۵، می خواهم فقط به اختصار چند نکته بگویم:

اگر این متن را با دقت بخوانیم، می بینیم که این تمثیل عیسی نیز تعلیم نمی دهد که نجات ما به اعمالمان بستگی دارد؛ برخلاف آنچه گاهی ادعا می شود.

برای درک درست این بخش، توجه به بخش های دیگری از انجیل متی نیز کمک کننده است. اما در این موعظه فرصت کافی نداریم که این موضوع را به تفصیل توضیح دهیم.

با این حال، برای کسانی از شما که این پرسش ذهنشان را به شدت مشغول کرده است، تفسیری خلاصه و جامع آماده کرده ام و در خروجی کلیسا قرار داده ام تا بتوانید آن را با خود ببرید.

اما برای موعظه امروز، فقط می خواهم دو نکته اساسی از تمثیل عیسی درباره داوری جهان را یادآوری کنم:

الف) این تمثیل با این کلمات آغاز می شود:

«هنگامی که پسر انسان در جلال خود و همراه با همه فرشتگانش بیاید...» (متی، باب ۲۵، آیه ۳۱)

عیسی دوباره خواهد آمد؛ همان گونه که در اعتقادنامه نیقیه اعتراف می کنیم: او «با جلال باز خواهد گشت».

ما نمی دانیم چه زمانی این اتفاق خواهد افتاد. ممکن است فردا باشد. ممکن است تا هزار سال دیگر نیز رخ ندهد.

اما این امر قطعی است: عیسی دوباره خواهد آمد.

ب) سپس این تمثیل ادامه می یابد:

«آنگاه بر تخت جلال خود خواهد نشست و همه قوم ها در برابر او جمع خواهند شد. و او آنها را از یکدیگر جدا خواهد کرد، همان گونه که شبانی گوسفندان را از بزها جدا می کند؛ گوسفندان را در سمت راست خود قرار خواهد داد و بزها را در سمت چپ.» (متی، باب ۲۵، آیات ۳۱ تا ۳۳)

این حقیقت نیز در اعتقادنامه به طور خلاصه بیان شده است:

«تا زندگان و مردگان را داوری کند.»

عیسی خواهد آمد و داوری خواهد کرد.

این داوری دو نتیجه متفاوت خواهد داشت: به برخی، مجازات جاودانی اعلام می کند و به برخی دیگر، حیات جاودان را وعده می دهد.

این پیام با طرز تفکر رایج در زمانه ما چندان سازگار نیست و به همین دلیل، متاسفانه اغلب حتی واعظان مسیحی نیز آن را نادیده می گیرند و درباره اش سکوت می کنند.

اما همان گونه که این تمثیل و بسیاری از نوشته های دیگر عهد جدید نشان می دهند، این پیام بخش جدایی ناپذیر بشارت مسیحی است.

اگر چنین داوری نهایی ای وجود نداشت، عیسی نیز نیازی نداشت بمیرد تا ما را از حکم محکومیت در آن داوری رهایی بخشد!

پس می بینیم که ما هر روز در چارچوب این حقیقت زندگی می کنیم:

عیسی دوباره خواهد آمد تا همه انسان ها را داوری کند؛ از جمله تو را.

لوقا، باب ۱۶: درباره مباشر نادرستکار

اکنون به متن موعظه خود از لوقا، باب ۱۶، می رسیم.

این متن پرسش های بسیاری را مطرح می کند؛ از جمله این پرسش که آیا عیسی در اینجا به راستی و با تمام جدیت به ما توصیه می کند که به رئیس خود خیانت کنیم و از او کلاهبرداری کنیم؟

بعدا دوباره به این پرسش بازخواهم گشت.

اما پرسش دیگری نیز وجود دارد: این تمثیل عجیب و غریب چه ارتباطی با پایان سال کلیسایی، بازگشت دوباره مسیح و داوری دارد؟

۱. روزی زمان به پایان می رسد

نخستین نکته این است:

این تمثیل به ما نشان می دهد که سرانجام زمانی فرا می رسد که دیگر هیچ فرصتی باقی نمی ماند و زمان به ناگزیر به پایان می رسد.

مباشر، اموال ارباب ثروتمند خود را بر باد داده بود. او تا چه مدت این کار را انجام داده بود؟ نمی دانیم. اما سرانجام زمانی فرا رسید که دیگر فرصت به پایان رسید. خبر این کار به گوش ارباب رسید و او مباشر را فراخواند و او را بازخواست کرد.

ما این موضوع را از زندگی خود نیز می شناسیم.

روزی زمان به پایان می رسد.

برای یک امتحان آماده می شویم. سپس روز امتحان فرا می رسد.

یا منتظر یک عمل جراحی هستیم. و سرانجام روز جراحی فرا می رسد.

یا تعطیلات ما روزی به پایان می رسد.

و اغلب از رسیدن آن لحظه ای که زمان به پایان می رسد، می ترسیم.

وقتی به امتحان، عمل جراحی یا پایان تعطیلات فکر می کنیم، دوست داریم زمان آهسته تر بگذرد. اما آن روز به ناچار نزدیک تر می شود.

گاهی در کنار ترس ما، نوعی اشتیاق نیز وجود دارد؛ دست کم در مورد امتحان و عمل جراحی: سرانجام همه چیز تمام می شود و از آن عبور می کنیم.

درباره زندگی خودمان و حتی درباره این جهان نیز همین حقیقت صدق می کند:

روزی زمان به پایان خواهد رسید؛ هنگامی که عیسی برای داوری دوباره بازگردد.

۲. ما باید حساب پس بدهیم

دومین نکته ای که از این تمثیل می آموزیم این است:

وقتی زمان به پایان می رسد، باید حساب پس بدهیم.

آن روز فرا رسیده بود و ارباب به مباشر خود گفت:

«این چه چیزهایی است که درباره تو می شنوم؟ درباره نحوه اداره اموال به من حساب پس بده، زیرا از این پس دیگر نمی توانی مباشر من باشی.» (لوقا، باب ۱۶، آیه ۲)

اکنون باید همه چیز روی میز گذاشته شود و حقیقت آشکار گردد. یا در مورد مباشر، باید دفترهای حسابی که او نگهداری کرده بود، ارائه شوند.

در امتحان، آنچه را به خاطر سپرده ایم، روی کاغذ می نویسیم.

در عمل جراحی، وضعیت سلامتی ما روشن می شود.

پس از تعطیلات نیز معلوم می شود که آیا به اندازه کافی نیرو و انرژی به دست آورده ایم تا با آسودگی و آمادگی به زندگی روزمره و کار بازگردیم یا نه.

هنگامی که عیسی دوباره بازگردد، همه چیز آشکار خواهد شد و باید حساب پس بدهیم.

یوحنا در کتاب مکاشفه می نویسد:

«و مردگان را دیدم، بزرگ و کوچک، که در برابر تخت ایستاده بودند و کتاب ها گشوده شد... و مردگان بر اساس آنچه در کتاب ها نوشته شده بود، مطابق اعمالشان داوری شدند.» (مکاشفه، باب ۲۰، آیه ۱۲)

ای مسیحی عزیز، آیا به اندازه کافی به این موضوع فکر می کنی؟

تو باید برای تک تک روزهای زندگی ات حساب پس بدهی!

برای هر عملت.

برای هر کلمه ای که از دهانت بیرون آمده است.

و برای هر فکری که در ذهن داشته ای.

۳. ما همه امید خود را به نیکویی خدایمان می بندیم

اکنون به نکته سوم می رسیم.

اما برای درک این نکته، ابتدا باید این تمثیل دشوار را کمی بهتر بفهمیم.

نکته جالب این است که این مباشر تلاش نمی کند با بهانه تراشی خود را تبرئه کند. او نمی گوید: «من که بی گناه هستم!» بلکه تقصیر خود را می پذیرد.

اما او دست به حیله ای می زند. تمام امید خود را به نیکویی اربابش می بندد.

منظورم چیست؟

در واقع، مباشر از پیش اخراج شده بود. اما هنوز دفترهای حسابی را که نگهداری کرده بود، در اختیار داشت.

بدهکارانی که او نزد خود فرا می خواند، هنوز نمی دانستند که او اخراج شده است. آنها فکر می کردند که او همچنان اختیار و اقتدار دارد، زیرا هنوز اسناد و مدارک در دست او بود.

احتمالا بدهکاران از این اتفاق تعجب کرده بودند، اما در عین حال بسیار خوشحال بودند که بدهی هایشان تا این اندازه کاهش یافته بود.

اگر بخواهیم واقع بینانه به ماجرا نگاه کنیم، احتمالا مباشر چیزی شبیه این به هر یک از بدهکاران گفته بود:

«می دانم که این روزها دوران سختی را می گذرانی. من با اربابم صحبت کردم و از او خواستم که بار بدهی شما را کاهش دهد.»

بدهکاران یکی پس از دیگری به خانه های خود بازگشتند و سپس خبر در سراسر روستا پیچید که ارباب ثروتمند، بخش بزرگی از بدهی همه آنها را بخشیده است.

بعید نیست که اهالی روستا در پی این ماجرا، خودجوش جشن بزرگی به افتخار آن مرد ترتیب داده باشند.

در همین حال، مباشر زیرک با دفترهای حسابی که ارقامشان را تغییر داده بود، نزد ارباب خود رفت.

اما ارباب اکنون چه انتخابی داشت؟

او دو امکان پیش روی خود داشت:

1. می توانست بگوید: «این کار غیرقانونی است. تو که از قبل اخراج شده بودی!» اما در آن صورت، در برابر تمام اهالی روستا، فردی احمق و بدجنس جلوه می کرد.

2. یا می توانست سکوت کند و در عوض، از سوی مردم به عنوان مردی سخاوتمند مورد تحسین قرار گیرد.

از کجا می توان فهمید که ارباب مردی سخاوتمند است؟

او مباشر را آزاد گذاشت تا بدون مجازات برود.

طبق قوانین آن زمان، ارباب می توانست او را به دلیل دزدی به بردگی برای پرداخت بدهی محکوم کند یا دستور دهد او را به زندان بیندازند. اما چنین نکرد.

و اکنون به نکته اصلی می رسم:

مباشر همه چیز را بر یک برگ می گذارد. او ارباب خود را به چالش می کشد تا سخاوتمندانه رفتار کند.

در واقع، او ارباب را در موقعیتی قرار می دهد که به او بگوید:

«تو بسیار زیرک هستی. می دانستی که من مردی سخاوتمندم. می دانستی که تا چه اندازه اهل فیض و بخشش هستم.»

البته، برای بازگشت به پرسش نخست، مباشر به خاطر نادرستکاری اش مورد تحسین قرار نمی گیرد.

او به این دلیل تحسین می شود که تمام امید خود را به فیض و بخشش اربابش بسته است.

او بهانه تراشی نمی کند. ادعا نمی کند که بی گناه است.

از این نظر، او به پسر گمشده شباهت دارد و ارباب نیز به پدر پسر گمشده می ماند.

تصادفی نیست که تمثیل پسر گمشده درست در باب پیشین، یعنی لوقا، باب ۱۵، آمده است.

و به این ترتیب، اکنون به سومین نکته ای می رسیم که برای ما اهمیت دارد:

بله، روزی زمان به پایان می رسد و ما باید حساب پس بدهیم.

هنگامی که در روز داوری نهایی همه چیز آشکار شود، باید همه امید خود را تنها به یک چیز ببندیم: به نیکویی و فیض خدایمان.

به نیکویی خدا در خداوند ما عیسی مسیح؛ همان کسی که این تمثیل را برای ما بیان کرده است.

بدون هیچ ترسی!

ما تمام امید خود را بر این می بندیم که عیسی بر صلیب، حکم محکومیتی را که باید بر ما جاری می شد، بر خود پذیرفت.

آن حکم باید بر ما وارد می شد، اما بر او وارد شد.

و به این ترتیب، همه کسانی که به او ایمان دارند، از محکومیت آزاد شده اند.

ما آزادیم؛ درست مانند آن مباشری که در اصل باید به بردگی برای پرداخت بدهی فروخته می شد، اما به جای آن اجازه یافت آزادانه برود.

با توکل به او، از آزمون داوری نهایی سربلند بیرون خواهیم آمد؛ پس از آنکه خداوند، پیکرهای مرده ما را در عملی شگفت انگیز دوباره زنده کند.

پیش تر بخشی از کتاب مکاشفه یوحنا را از قلم انداختم.

نه تنها کتاب هایی وجود دارند که اعمال ما در آنها ثبت شده است؛ کتاب دیگری نیز وجود دارد.

یوحنا چنین می نویسد:

«و کتاب دیگری گشوده شد که همان کتاب حیات است... و هر کس که نامش در کتاب حیات نوشته نشده بود، به دریاچه آتش افکنده شد.» (مکاشفه، باب ۲۰، آیات ۱۲ب و ۱۵ب)

آنچه اهمیت دارد، همین کتاب حیات است.

و خود عیسی همان کتاب حیات است.

نام همه کسانی که ایمان دارند و تعمید گرفته اند، در او نوشته شده است.

سخن پایانی

سخنی در پایان: ما مسیحیان نه فقط در روز داوری نهایی، بلکه از همین اکنون، هر روز، تمام امید خود را به این امید می بندیم: به نیکویی خدا. همان فیضی که به واسطه آن در داوری پایدار خواهیم ماند، همین حالا نیز در وجود ما عمل می کند؛ در حالی که ما وظیفه اداره زندگی ای را که خدا به ما بخشیده است، به انجام می رسانیم. آنچه تو را از آتش داوری عبور خواهد داد، در اینجا نیز تو را از میان وسوسه ها و آزمون های روزمره عبور خواهد داد: فیض بی همتای خدا در عیسی مسیح. با اشتیاق به او چشم بدوز. به نجات دهنده پرجلال خود بنگر. آمین.

دعا می کنیم:

ای خداوند، خدای ما، نیکویی تو در عیسی مسیح استوار و تزلزل ناپذیر است. به ما یاری ده تا هر روز تمام اعتماد خود را به او بسپاریم و از این راه در داوری نهایی نیز پایدار بمانیم، تا تو را تا ابد بستاییم. آمین.

و نیکویی و فیض خدا، که فراتر از هر فهم و خردی است، دل ها و اندیشه های شما را در مسیح عیسی برای حیات جاودان محفوظ بدارد. آمین.

پیوست: درباره متی، باب ۲۵، آیات ۳۱ تا ۴۶

در متن پیش رو می خواهم به بخشی از کتاب مقدس بپردازم که ما را به چالش ویژه ای می کشد: متی، باب ۲۵، آیات ۳۱ تا ۴۶؛ یعنی شرح داوری نهایی از زبان عیسی.

عیسی به ما می گوید که او، پسر انسان، در جلال خود خواهد آمد، بر تخت خویش خواهد نشست و همه ملت ها را داوری خواهد کرد. او گوسفندان را از بزها جدا خواهد کرد و گوسفندان را دعوت خواهد نمود تا حیات جاودان را دریافت کنند؛ زیرا آنان به شیوه های گوناگون از «این کوچک ترین برادران من» مراقبت کرده اند. اما بزها به مجازات ابدی گرفتار خواهند شد؛ زیرا از «یکی از این کوچک ترین ها» مراقبت نکرده اند.

این متن ما را به چالش می کشد؛ زیرا در نگاه نخست چنین به نظر می رسد که عیسی نجات از راه اعمال نیک را تعلیم می دهد. گویی می گوید: اگر کار نیک انجام داده باشی، نجات خواهی یافت؛ اما اگر کار بد انجام داده باشی، مجازات خواهی شد.

برای آنکه این متن را بهتر درک کنیم، می خواهم آن را با بررسی دقیق سه پرسش مورد مطالعه قرار دهم.

۱. بر اساس انجیل متی، منظور از «همه ملت ها» (متی، باب ۲۵، آیه ۳۲) چه کسانی هستند؟

به نظر می رسد که عبارت «همه ملت ها» در وهله نخست به سادگی به تمام بشریت اشاره دارد. این برداشت بی تردید درست است. با این حال، عیسی این عبارت «همه ملت ها» را کاملا آگاهانه به کار می برد. این عبارت در بخش های دیگری از انجیل متی نیز آمده است. با کمک این آیات می توانیم دریابیم که عیسی هنگام به کار بردن این واژه ها، بر چه چیزی تاکید ویژه دارد.

نخستین بخشی که می خواهیم در اینجا بررسی کنیم، متی، باب ۲۴، آیات ۹ تا ۱۴، به ویژه آیه ۱۴ است. عیسی در اینجا با شاگردان برگزیده خود، یعنی رسولانش، سخن می گوید. پس از آنکه آنان دو پرسش از او می پرسند (متی، باب ۲۴، آیه ۳)، عیسی پاسخ دادن به آنان را آغاز می کند.

در این بخش، تاکید ویژه بر ویرانی قریب الوقوع اورشلیم و به ویژه معبد است (متی، باب ۲۴، آیه ۲). عیسی شاگردانش را از سردرگمی، خونریزی و فاجعه هایی که در آن زمان رخ خواهند داد، برحذر می دارد. افزون بر این، او رویدادهای سال ۷۰ میلادی را پیشگویی می کند؛ زمانی که سپاهیان روم به اورشلیم حمله کردند و معبد را ویران ساختند.

در همین زمینه، عیسی برای شاگردانش تشویقی نیرومند نیز بیان می کند: «و این بشارت پادشاهی در سراسر جهان موعظه خواهد شد تا شهادتی برای همه ملت ها باشد؛ آنگاه پایان فرا خواهد رسید.» در اینجا می توانیم دریابیم که منظور از «همه ملت ها»، کسانی هستند که ماموریت بشارتی شاگردان عیسی در جهان متوجه آنان است.

اکنون به دومین بخش از کتاب مقدس بپردازیم که در آن عبارت «همه ملت ها» آمده است: عیسی در متی، باب ۲۸، آیات ۱۹ تا ۲۰، به یازده شاگرد خود می گوید: «پس بروید و همه ملت ها را شاگرد سازید؛ آنان را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید و به آنان تعلیم دهید که هر آنچه به شما فرمان داده ام، به جا آورند.» بنابراین، در اینجا نیز همه ملت ها دریافت کنندگان ماموریت بشارتی شاگردان عیسی هستند؛

ماموریتی که به طور مشخص از طریق تعمید دادن مردم و تعلیم دادن همه آنچه عیسی به آنان فرمان داده است، انجام می شود.

در اینجا روشن می شود که پذیرفتن پیام از سوی کسانی که عیسی آنان را به ماموریت می فرستد، در داوری نهایی نقشی تعیین کننده دارد.

اکنون به پرسش دوم می پردازیم.

۲. منظور از «کوچک ترین این برادران من» (متی، باب ۲۵، آیات ۴۰ و ۴۵) چه کسانی هستند؟

با آنکه اکنون دریافته ایم که پذیرفتن پیام بشارت از سوی فرستادگان عیسی اهمیتی تعیین کننده دارد، در متن مورد بحث ما، مراقبت از «کوچک ترین این برادران من» نیز در کانون توجه قرار دارد.

اما در واقع منظور چه کسانی هستند؟ همه انسان ها؟ فقط مسیحیان؟ یا تنها گروه مشخصی از مسیحیان؟

بیایید ببینیم در کدام بخش های دیگر انجیل متی از این برادران عیسی نام برده شده است.

در متی، باب ۱۲، آیات ۴۶ تا ۵۰، خویشاوندان عیسی، یعنی مادر و برادرانش، نزد او می آیند و درخواست می کنند که با او سخن بگویند. اما عیسی دست خود را به سوی شاگردانش دراز می کند و می گوید: «اینک مادر من و اینان برادران من هستند!» سپس توضیح می دهد: «هر که اراده پدر من را که در آسمان است به جا آورد، برادر و خواهر و مادر من است.» در اینجا، به جا آوردن اراده پدر عیسی به معنای پیروی از خود عیسی است؛ همان گونه که شاگردانش از او پیروی کردند.

در متی، باب ۲۸، آیات ۸ تا ۱۰ نیز از برادران عیسی سخن گفته شده است. پس از رستاخیزش، عیسی با مریم مجدلیه و مریم دیگر روبه رو می شود و به آنان سلام می کند. هنگامی که آنان او را پرستش می کنند، عیسی به ایشان می گوید: «نترسید! بروید و به برادران من خبر دهید که به جلیل بروند؛ در آنجا مرا خواهند دید.»

بنابراین، برادران عیسی همه کسانی هستند که از او پیروی می کنند. اگر ارتباط این موضوع را با ماموریت بشارتی به سوی همه ملت ها در نظر بگیریم، به ویژه کسانی منظور هستند که برای انتشار خبر خوش به ماموریت فرستاده می شوند.

این بدان معنا نیست که کشیشان یا مبلغان، برادران «بهتری» برای عیسی هستند. بلکه منظور این است که آنان برادران عیسی هستند که وظیفه ای ویژه بر عهده دارند: موعظه علنی انجیل و اداره آیین های مقدس.

و بدین ترتیب به پرسش سوم می رسیم:

۳. عبارت «آنچه به آنان کرده اید» به چه معناست؟

باب دهم انجیل متی برای پاسخ به این پرسش بسیار سودمند است. عیسی در این باب، دوازده رسول خود را آماده می کند تا در سرزمین اسرائیل سفر کنند، انجیل را موعظه نمایند و معجزات گوناگونی به انجام رسانند.

در آیات ۱۳ تا ۱۴، او از شاگردانش می خواهد که به هر کسی که آنان را می پذیرد و به سخنانشان گوش می دهد، سلامتی خود را اعلام کنند.

در آیه ۴۰، این موضوع را روشن تر بیان می کند و می گوید: «هر که شما را بپذیرد، مرا پذیرفته است؛ و هر که مرا بپذیرد، فرستنده مرا پذیرفته است.»

بنابراین، خدمت کردن، آن گونه که عیسی در متی، باب ۲۵، به شیوه های گوناگون توصیف می کند، دادن خوراک و نوشیدنی، فراهم کردن لباس، پذیرفتن افراد و دیدار از آنان، به خدمت کردن به کسانی اشاره دارد که به عنوان فرستادگان عیسی به ماموریت گسیل شده اند.

در جمع بندی می توان گفت: عیسی در متی، باب ۲۵، آیات ۳۱ تا ۴۶، به ما تعلیم می دهد که بر اساس چگونگی پذیرفتن پیام او داوری خواهیم شد و در پیوند با آن، بر اساس چگونگی پذیرفتن کسانی که به سوی ما فرستاده شده اند نیز مورد داوری قرار خواهیم گرفت. پذیرفتن مثبت پیام عیسی را ایمان نیز می نامند. بنابراین، تعلیم عیسی در این بخش کاملا با آنچه خود او و دیگر نویسندگان کتاب مقدس درباره نجات تعلیم می دهند، هماهنگ است.

با این حال، این بدان معنا نیست که نباید برای کمک به همه انسان ها تلاش کنیم؛ برای مثال، با غذا دادن به گرسنگان. شادی ما از نجاتی که خدا از راه عیسی مسیح به ما بخشیده است (نجاتی که شایسته آن نبودیم و از آن خود نکرده ایم) چنان بزرگ است که نه تنها کسانی را می پذیریم و از آنان مراقبت می کنیم که به سوی ما فرستاده شده اند، مانند کشیشان و هم ایمانانمان، بلکه تا آنجا که در توان داریم، به دیگر انسان های نیازمندی نیز که می توانیم به آنان دسترسی پیدا کنیم، یاری می رسانیم و از آنان مراقبت می کنیم.